

تردیدهای رفسنجانی و چرا باید می آمد

بقیه از صفحه ۳

تواند گوهره ی تلاش انحصار طلبانه بوروکراتهای نظامی، بازاری و روحانی آماس کرده از رانتهای حکومتی را برای به دست گرفتن گنجایش انحصاری بازار، پنهان سازد. "حکومت یکپارچه" یا "دولت کریمه" ای که آنها در پی آن هستند، بُنگاهی است که مرکز اصلی منابع مالی یعنی، دولت را به گونه یکجانبه به خدمت گرفته و آن را از طریق قبضه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و بهره گیری از منابع ارزان آن، در مسیر حذف رقابتی اقتصادی خود مانند بورژوازی سوداگر صنعتی و سرمایه داری مدرن (عصر جهانی سازی) به کار می اندازد. سر برون آوردن اقتصادهای زیرزمینی و نیمه دولتی از سیاه چاله های قاچاق، پولشویی و بودجه های مخفی، بلوغ کودک عقب مانده ای است که بیشتر از همه، در دامان پُر مهر بورژوازی دولتی انگل و رانت خوار و آقای رفسنجانی و شرکا پرورش یافته است. از سوی دیگر، آنچه که بورژوازی نوپای جمهوری اسلامی کمتر از هر مصیبت دیگری بدان نیاز دارد، قدرت یابی یک جریان راست افراطی است که بی نیازی خود به مناسبات قانونمند شده ی جهانی را پیشاپیش جار زده باشد. پیام یکپارچه شدن قدرت توسط باند مزبور، چیزی کمتر از فقدان امنیت سرمایه، موانع اقتصادی، حذف رقابت و تشهای خارجی نیست.

آقای رفسنجانی یکبار در گذشته و با جلوگیری از نشاندن شدن حجت السلام ناطق نوری، نامزد باند ولایت بر مسند ریاست جمهوری و هموار کردن راه حجت الاسلام خاتمی، به رویارویی با این کابوس رفته است. این بار و در شرایطی که نزد باند رقیب، پرونده "اصلاح طلبان" تا برگ آخرین خوانده شده و نزد مردم، آنها بضاعت "نظام" در این پهلو تا قطره ی آخر سر کشیده اند، او ناچار است تمام وزن خویش را به میدان بیافکند. اکنون نوبت "دوم خرداد" است که لحظه را دریابد و رفسنجانی می تواند اطمینان داشته باشد که نگرانی طبقه - گویا - متوسط آقای نبوی، کمتر از مال او نیست.

این فقط طنز سیاه نیست که "بهترین آلترناتیو حکومت" (فیگارو، تایمز)، یکی از بی اعتبارترین سیاستمداران نزد جناح خود و افکار عمومی است. آرایش امروز سیاسی در جمهوری اسلامی، بیش از همه، نشانگر جایگاهی است که رژیم ملاحا فردا خود را در آن خواهد یافت.

شروع انتخابات یا نمایش کمدی؟

جعفر پویه

پرده اول نمایش مضحکه انتخابات رییس جمهوری کلید خورد. کاندیداهایی که پس از یک دوره پیش پرده خوانی وارد گود شده اند، بیش از آن رسوا هستند که نیاز به بازگویی داشته باشد. وعده های سرخرمن و زیاده گویی در موقع تبلیغ، نشان از درمانده گی آنان برای گرم کردن تنور خاموش انتخابات دارد.

اما در روزهای ثبت نام کاندیداها، جریان به شکلی پیش می رود که کمدی انتخابات را به مضحکه بیشتر شبیه کرده است. درخواست ثبت نام امام زمان در روز اول رد شد و او تهدید کرد که از همین امروز قیام خواهد کرد. این شخص که با شناسنامه ای با نام مهدی موعود و نام پدر حسن عسگری درخواست ثبت نام داشت، به خبرنگاران حالی کرد که در این رقابت دیگران چیزی از او بیشتر ندارند زیرا وقتی مهدی کروی از پایوران بنام رژیم به مردم وعده می دهد که هر ماه به هر نفر پنجاه هزار تون پرداخت خواهد کرد، کسی به عقل او شک نمی کند! اما امام زمانی که به گفته آیت الله مشگینی، لیست نمایندگان را تهیه می کند، از در

رانده می شود.

در روزهای ثبت نام، بیش از اینکه به جدیت این انتخابات پرداخته شود، بیشتر به نمایش کمدی ای پرداخته می شود که در سالن وزارت کشور جریان دارد. کسانی که وارد محل ثبت نام می شوند، از دست فروش دوره گرد تا لوطی شاپو به سر سرگذر، بیشتر به قصد تفریح و سُخره گرفتن اعمال پادوهای ولایت فقیه آنها را دست می اندازند. وقتی محسن رضایی

دانشگاه ندیده خود را "دکتر" می خواند و احمدی نژاد قاتل و عضو تیم ترور، به شهرداری تهران گمارده می شود، چرا کارگری بازنشسته با عنوان "پرفسور" خود را کاندیدا نکند؟ حمل دوهزار سکه از جانب دیگر کاندیدا و یا نمایش تسبیحهای دانه درشت فروشنده دوره گرد دیگری که قصد رییس جمهور شدن دارد، همانند قیافه از شکل افتاده رفسنجانی نیست ولی همه آنها آماده بازی در یک نمایش کمدی - درام هستند. با این همه، حضور پر تعداد زنان و دختران از دانشجو گرفته تا خانه دار در سالن ثبت نام، نشان از سیر حوادث به شیوه دیگری دارد. این زنان همگی می دانند که رژیم زن ستیز ولایت فقیه کوچکترین حقی برای آنان قایل نیست اما با حضور در حوزه های ثبت نام و ظاهر شدن در برابر دوربین خبرنگاران خارجی نشان می دهند که نیمی از مردم ایران که زن هستند، از حق انتخاب شدن محروم اند. هرچند اشرف بیات و چند نفر دیگر از زنان وابسته به حکومت نیز خود را کاندید کردند ولی در مجموع، این عمل نوعی دهن کجی به رژیم مردسالار ولایت فقیه است.

انتخاباتی که شروع اینگونه باشد از هم اکنون می توان حدس زد که چه پایانی در انتظار آن است.

۲۳ اردیبهشت ۸۴

شاخ و شانه اتمی، هر بار سرافکنده تر از پیش

لیلا جدیدی

تلاشهای جمهوری ملاحا برای گرفتن ماهی از آب گل آلود و بویناک انتخابات، تاکنون و دستکم در زمینه ی فعالیتهای هسته ای بی نتیجه مانده است. ملاحا که خیال می کردند، وضع آشفته انتخابات فرصت مناسبی برای یکه تازی اتمی ایجاد کرده و همزمان می توانند به

آلمان، در نامه تهدید آمیزی خطاب به حکومت خامنه ای گفتند: "این اقدام دو سال مذاکره را به پایان رسانده و عواقب ناگواری در بر خواهد داشت." این واکنش و تحت فشار قرار دادن رژیم از جانب اروپاییها، حاکی از این امر است که بوش به نتیجه مطلوب خود رسیده و فرصت مذاکرات به سر آمده و اینک اروپا باید به قولش وفا کرده تهدید شورای امنیت را بر سر رژیم بکوبد. از همین روست که سر چند انگشت بالا آمده از آب ملاحا آنچنان به جنبش درآمد که ناچار به اعماق بازگشت. روزنامه واشنگتن پست روز جمعه ۱۳ مه از علایمی



طرفداران خود برای بازار انتخابات دلگرمی دهند، با فرستادن نامه ای به آژانس انرژی اتمی، به ایجاد جنجال از سر گیری غنی سازی پرداختند. برخی از کاندیداهای انتخابات فرمایشی مانند رفسنجانی نیز در گذاشتن پای خود در دهان عجله کرده و ادامه غنی سازی را مترادف "حاکمیت ملی" معرفی کردند. اما پیش از آنکه مُهر آن نامه کذایی باز شود، آقای تونی بلر، یار پیشینه دار ملاحا اما کودک سر بزیر آمریکا، اعلام کرد که بریتانیا از تصمیم آمریکا برای فرستادن پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت حمایت می کند. همچنین، سه کشور اروپایی، انگلیس، فرانسه و

گزارش داد که حاکی از خواست جمهوری اسلامی به عقب نشینی و ادامه مذاکرات است. هر چند که زمینه مشترکی برای آن باقی نمانده. طرفهای رژیم، شروع فعالیت هسته ای را غیر قابل پذیرش خوانده اند. ژتونهای قمار رژیم باطل شده اند و هنوز ملاحا خیال برنده شدن را در سر می پروراند و یا تلاش می کند آبروی رفته را در برابر مریدان خود حفظ کنند و نمایش شاخ و شانه کشیدن بدهند. این بار هم یک سر افکنده گی دیگر به انتظار آنها نشسته است.

اروپایی، انگلیس، فرانسه و